



رضا جمیلی / روزنامه نگار

اوهربار ردپای فرهنگ روزمره ایرانی را در آثار هنرمندان تجسمی دنبال می کند

## نقش فرهنگ بر بوم

### انزوایی پراکنده اما الهام بخش

در سال های اخیر کارهای خیلی خوب و باکیفیتی توسط هنرمندان نسل نو نقاشی ایران ارائه شده است. گاهی کارهایی می بینم که شگفت زده می شوم و این امیدوارکننده است. واقعاً سخت و البته ارزشمند است که بتوانید به عنوان یک نقاش، در میان این هنرمندان ماندگار شوید. در اینستاگرام هنرمندانی را دنبال می کنم که حتی با گالری ها کار نمی کنند ولی کارشان بسیار خوب است. غم انگیز است که کسی این افراد را پیدا نمی کند. با وجود این آنها با قدرت زیادی نقاشی می کنند و فضاهای شخصی حیرت انگیزی می سازند. این هنرمندان تحت تأثیر هم سن و سال های خود یا سلیقه گالری ها نیستند. شاید به این دلیل که هرکسی به شکلی ناخواسته تحت تأثیر فضای شهری و زندگی خودش است و این انزوا در نهاد همه ما وجود دارد. ما به شکل عجیبی جماعتی پراکنده ایم که در حال الهام گرفتن از یک انزوای فردی هستیم.

گپی با فائزه بهارلو، هنرمند نقاش

# تجسم خاکستری رنگ انفعال یک زمانه

فائزه بهارلو متولد ۱۳۶۷ در اهواز است. در هنرستان، گرافیک خوانده و بعد در دانشگاه نقاشی و تصویرسازی. با او درباره نقاشی های خودش و هم نسلانش صحبت کرده ایم.



### خسته از حرف زدن، نیازمند رهایی

سلیقه جمعی در طول تاریخ روی همه ما اثر گذاشته. اگر من دائماً در معرض نقاشی های فیگوراتیو باشم، کارهای من هم به سمت فیگوراتیو متمایل می شوند. همه اینها به صورت ناخودآگاه اتفاق می افتد. خود من وقتی کار یک نقاش فرانسوی را از یک نقاش الجزایری تشخیص می دهم، خیلی لذت می برم و اصالتی که در کار او وجود دارد، را دوست خواهم داشت. ولی در نهایت اگر بخوام کاری بخرم و هر روز به آن نگاه کنم، کاری است که نگاهی جهانی دارد. منوچهر یکتایی یکی از هنرمندانی است که حائز این ویژگی بوده و من کارهای او را بسیار می پسندم. در نقاشی های او بجز حجم و رنگ چه چیز دیگری وجود دارد؟ گاهی فکر می کنم جوانترها هم دارند به این نقطه می رسند. شاید بارزترین مشخصه این دوره این باشد که هنرمندان نسل جدید آنقدر خسته هستند که دیگر در آثار خود حوصله حرف زدن ندارند. اکنون بعد از یک دوره فیگوراتیو، دوباره به سمت طبیعت متمایل شده ایم. این سؤال پیش می آید که هنرمندان این دوره با اینکه در یک دوره تاریخی سخت و پراضطراب شهری زندگی می کنند، چرا این همه کوه می کشند؟! شاید این اتفاق نشان دهنده نیاز به گریز و نیاز به رهایی باشد. شاید مشخصه سختی دورانی که در آن زندگی می کنیم همین میل شدیدی باشد که این روزها تصویرش را روی بوم ها می بینیم.

### ما شرق گرانستیم؟

می خورد و مورد پسند غربی ها هستند. نگاه داشتن به شرق یا غرب از اساس چیز بدی نیست. آنچه آسیب می زند این است که چیزی که در این میان از دست می رود فردیت نقاش است. نقاش ایرانی برای دیده شدن یا با انگیزه اینکه کارش در یک نمایشگاه متوسط در نیویورک به نمایش دربیاید، باید آن چیزی را به تصویر بکشد که مطلوب آن جامعه است. برای مثال باید فمینیست بازی در بیاورد. من حتی اگر دغدغه های فمینیستی هم داشته باشم علاقه ای ندارم به اینکه با زبان نقاشی به این مسائل بپردازم چون نقاشی هنری دیداری و تصویری است به همین دلیل نباید در نقاشی مثل یک داستان، با کمک جملات حرف زد. کارهای آخر من تندیس های سنگی هستند که در دل طبیعت قرار گرفته اند. با کمک این تندیس ها قصد داشته ام به انفعال آدم ها و شیوه زیست منتج از این انفعال که این روزها در فضاهای مختلف از جمله در شبکه های اجتماعی دارن اشاره کنم. می خواسته ام نشان بدهم که هیچ کاری انجام نمی دهیم! کسی باورش نمی شود اما دغدغه من انفعال بوده که به این شکل روی بوم ظاهر شده است.

یکی از سبب های نقاشی داشتن زبان انتزاعی است. اما در مورد انتخاب این فضای انتزاعی، سلیقه است که تأثیر می گذارد. اما این سلیقه از کجا می آید؟ بدون شک فضایی که در آن زندگی می کنیم و رنگی که با آن فکر می کنیم، در این انتخاب بی تأثیر نیست. ممکن است رنگی که با آن فکر می کنید مه گرفته باشد یا نباشد. همه این موارد به صورت ناخودآگاه به اثر راه پیدا می کنند. برای نمونه من خاکستری های پخته را به رنگ های زنده ترجیح می دهم؛ ترجیح می دهم از رنگ های پخته تر استفاده کنم، تا از زرد، قرمز و آبی خام. علاوه بر این، از دوران دبیرستان تحت تأثیر نقاشی شرق دور بوده ام و ردپای این تأثیر در کارهایم به چشم می خورد. هم نقاشی و هم سینمای شرق. حالا درست است که عده ای این روزها بر این طبل می کوبند که نباید نگاه مان به شرق باشد. فکر می کنم این عقیده ای که تکرار می کند ما اورینتالیست نیستیم، دقیقاً از آنجا ناشی می شود که از قضا اورینتالیست هستیم! اگر دقت کنید گالری های خارجی برای هنرمندانی فضای نمایش فراهم می کنند که اورینتالیست هستند. کارهایی که المان های شرقی در آنها به چشم